

۱۳۰۴
۶۶

اسلام و حقوق شهروندی

و ضمانت‌های اجرایی آن

نویسنده

محمد احمدیان

احمدیان، محمد، ۱۳۴۳
اسلام و حقوق شهروندی و ضمانت‌های اجرایی آن
نویسنده محمد احمدیان
تهران: نشر احسان، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری: ۱۱۲ ص
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۱۴۸-۹
موضوع: حقوق مدنی - جنبه‌های مذهبی
اسلام - جنبه‌های شرعی - مردم (حقوق اساسی)
رده بندی کنگره: ۳۷۰/۱BP۳۵الف۵
رده بندی دهکده: ۲۹۷/۴۸۱
شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۱۳۵۰۰

اسلام و حقوق شهروندی

مؤلف: محمد احمدیان

ویراستار: کژال الله‌مرادی

ناشر: نشر احسان

سال انتشار: اول - ۱۳۹۶

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

حروفچین: امید مقدس

چاپخانه: چاپ مهارت

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۱۴۸-۹

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست

مقدمه ۵

فصل اول :

حقوق شهروندی در اسلام

- ۱- حق حیات ۹
هستی خادمان انسان ۹
الف- بی‌زمان به تمام امکاناتش ۹
ب- تسخیر کل عالم هستی ۱۰
ج- تسخیر شب و روز، ماه و خورشید و سیارات ۱۰
د- تسخیر دریا در راستای باررندی و بهره‌گیری از نعمت‌های دریایی ۱۰
شبهه‌ی وارده بر قصاص در اسلام ۱۲
حقوق جنین ۱۶
اسلام و حقوق محوری شهروندان ۱۸
۲- حق آزادی عقیده ۱۸
جستاری پیرامون رابطه‌ی فکر و اندیشه ۲۱
۳- حق آزادی اندیشه در اسلام ۲۵
فرهنگ اسلامی و حدود اندیشه ۳۱
۴- آزادی بیان و حق اظهار نظر ۳۳
حقوق شهروندان غیرمسلمان از منظر قرآن ۳۷
شهروندان غیرمسلمان و اخلاق در نظم عمومی ۴۰

فصل دوم :

ضمانت اجرایی حقوق شهروندان در اسلام

- ۱- دولت عدالت محور ۴۶
۲- توزیع قدرت ۴۸

۵۲ جستاری پیرامون سوره‌ی قریش در قرآن
۶۲ نتیجه‌گیری
۶۳ ۳- نظام شورایی
۶۹ ۴- حضور آگاهانه‌ی مردم
۷۳ مردم در صحنه در زمان پیامبر اسلام ﷺ
۷۶ نتیجه‌گیری

فصل سوم :

ضمانت اجرایی حفظ حقوق بشر در نظام‌های دمکراتیک

۸۰ ۱- ضمانت اجرایی داخلی
۸۰ الف) - حضور مردم در صحنه‌ی سیاسی
۸۲ پهنآوری دمکراسی
۸۳ ژرفای دمکراسی
۸۳ بُرد دمکراسی
۸۴ ب) احزاب و نهادهای مدنی
۸۵ ج) قدرت سیاسی
۸۷ ۲- حفظ حقوق بشر و حمایت‌های خارجی

فصل چهارم :

همگرایی ضمانت‌های اجرایی در نظام اسلامی و نظام‌های دمکراتیک

۹۱ ۱- همگرایی در دولت عدالت محور و قدرت سیاسی
۹۲ ۲- همگرایی حضور مردم در نظام‌های دمکراتیک و اسلام
۹۴ ۳- همگرایی احزاب و نهادهای مدنی در نظام‌های دمکراتیک و اسلام
۹۶ ۴- همگرایی توزیع قدرت در نظام‌های دمکراتیک و اسلام
۹۹ ۵- سازمان جهانی و همگرایی نظام‌های دمکراتیک
۱۰۰ هدف‌ها و اصول سازمان ملل متحد
۱۰۳ رحمت اسلامی زیر بنای صلح جهانی
۱۰۸ نتیجه‌گیری کلی از بحث
۱۱۱ فهرست منابع و مراجع

مقدمه

هرگاه از «حقوق» سخن به میان می‌آید، منظور مجموعه امتیازاتی است که برای جامعه‌ی حاکم، دسترسی و بهره‌مندی از آن‌ها امری لازم و ضروری است. روی همین اصل «حقوق بشر» را این‌گونه تعریف کرده‌اند: «مفهوم حقوق بشر «مجموعه حقوقی» که انسان‌ها صرفاً به حکم انسانیت، بدون آن‌ها برخوردارند» (بشیریه، ۱۳۸۰، ص ۴۴). حقوق در مقابل تکالیف، حق مسلم و اساسی هر انسانی است؛ که بدون هماهنگی آن دو با هم زندگی با چالش‌های گوناگون روبرو می‌شود. حال اگر این حقوق با جامعه تأمین کند یا حاکمیت قانون، آن را تعیین کرده باشد یا هر قانون دیگری؛ چون رابطه‌ی بین «حق و تکلیف» همانند دو کفه‌ی ترازو عمل می‌کند، - در یک کفه‌ی ترازو، «حقوق» و در کفه‌ی دیگر آن «تکالیف» قرار دارد. - لازم است بدانیم به موجب «قانون طبیعی»، حقوق بشر به عنوان یک مجموعه، جزء ذاتی و جدایی

ناپذیر موجودیت انسانی به شمار می‌آید (آشوری، ۱۳۸۱، ص ۱۳۱). عوارض ناشی از نادیده گرفتن حقوق بشر نه تنها دامنگیر فرد می‌شود، بلکه جامعه را نیز در معرض هنجارشکنی قرار می‌دهد. در حیات سیاسی و اجتماعی، بعضی از قوانین حاکم تکالیف مدار، و بعضی حقوق محور هستند، و گاهی نوعی تساوی نسبی بین حقوق و تکالیف برقرار است. نگارنده بنا را بر این نهاده است که در بین حقوق و تکالیف در مسند داوری و قضاوت، قلم فرسایی نماید بلکه آنچه قابل بحث، و غیر قابل اغماض است، این است که قوانین تالیف مدار، باید تکالیفش در راستای حفظ حقوق انسان‌ها باشد؛ - به صورت عام و کلی - چون خلق و تسخیر هستی، مستقیم و غیر مستقیم، برام انسان‌ها آفریده شده است، و اگر کسانی در مسند و جایگاه حفظ حقوق و یا به بهانه‌ی ایجاد تکالیف، حقوق انسانی شهروندان نادیده بگیرند بر خلاف سنت حاکم بر نظام هستی، و امر خداوند گام برداشته‌اند. قرآن این گونه فلسفه‌ی خلق هستی را بیان می‌کند:

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ (بقره / ۲۹)

«خدا آن کسی است که همه موجودات و پدیده‌های روی زمین را برای شما آفرید، آن گاه به آسمان پرداخت و از آن هفت آسمان منقطع تریب داد. خدا دانا و آشنا به هر چیزی است.»

﴿الَّذِينَ تَرَوْنَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَهُ وَبَاطِنَهُ وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ﴾ (لقمان / ۲۰)

«آیا ندیده‌اید که خداوند آنچه را که در آسمانها و زمین است مسخر شما کرده است (و در مسیر منافع شما به حرکت انداخته است)، و

نعمتهای خود را - چه نعمتهای ظاهر و چه نعمتهای باطن - بر شما گسترده و افزون ساخته است؟ برخی از مردم بدون هیچ گونه دانش و هدایت و کتاب روشن و روشنگری، درباره (شناخت و یکتائی) خدا راه ستیز و جدال را پیش می‌گیرند.»

لازم به یادآوری است که گاهی حق و تکلیف قراردادی بین دو طرف به صورت توافقی تنظیم و تدوین می‌شود، و گاهی نظام حاکم یک جانبه، هم حقوق و هم تکالیف را مشخص می‌کند. در نظام اسلامی شارع مقدس با توجه به شناخت کامل و مطلق که از انسان دارد، - و آگاه به تمام نیازهای درونی و بیرونی، فردی و جمعی اوست - یک نوع حقوق و تکالیف را برای انسان در نظر گرفته است. از هم تنانکه حقوق و تکالیف در نظام‌های سیاسی حاکم، از طریق پارلمان و نمایندگان مردم قابل جرح و تعدیل است؛ در نظام دینی هم مفهوم «متغیرات» با توجه به شرایط و نیاز زمانی و مکانی، قابل تغییر است؛ البته مشروط به اینکه پارلمانی تخصصی و جامع شرایط صلاحیت حقوقی و شرعی برای این امر مهم را دارا باشد. ندارند. بیان باور است حقوق و تکالیفی را که شارع مقدس برای انسان در نظر گرفته است، با توجه به شناخت کافی که از انسان دارد؛ در راستای مصالح عاجل و آجل اوست، و در صورت رعایت آنها از طرف افراد بویژه در «محور تکالیف» هم حقوق فردی و هم حقوق جمعی در جامعه رعایت می‌شود. رساله‌ی پیش روی خوانندگان ارجمند، جستاری است پیرامون «حقوق شهروندان در اسلام» و ضمانت‌های اجرایی آن که از منظر کتاب و سنت و آراء صاحب نظران در حوزه‌ی حقوق سیاسی به نگارش در آمده است. اگر شناخت از تکالیف، شناخت صحیح باشد؛ - چه در حوزه‌ی مسؤولیت‌پذیری

شهروندان و چه در حوزه‌ی اجرایی فرمانروایان - و عموم شهروندان در عرصه‌ی اجرا و عمل رسالت خویش را حفظ نمایند؛ انجام تکالیف، همان احقاق حقوق دیگران است. و از طرف دیگر شناخت حقوق و تلاش جدی در راستای دسترسی به آنها، مکملی برای حفظ حقوق فردی و جمعی می‌باشد. چون چرخه‌ی «حق و تکلیف» همانند زنجیری مرتبط و متصل به همدیگر هستند؛ رعایت این چرخه و تداوم حیات مطلوب برای انسان در این کره‌ی خاکی، و حفظ حقوق سیاسی و اجتماعی انسان‌ها، ضرورت انکار ناپذیر است. و بدون رعایت حقوق همدیگر زندگی تبدیل به جهنمی می‌گردد که شربت در لابلای شعله‌های آن می‌سوزند؛ تجربه‌ی تلخ تاریخ گذشته‌ها، اثبات‌گر این ادعا است.

سقز - محمد احمدیان

۱۳۹۰/۰۶/۱۶